

باز خوانی کوتاه زندگی و دستاوردهای علمی «محمدحسن گنجی»

پیشگام جغرافیای نوین ایران

سیلمان فرهادیان



مراسم نصب سردیس استاد «گنجی» در بوستان دانشوران کیش، سال ۸۰/ عکس: آکرم شخص‌پور دکتر «معین»

دکتر «محمدحسن گنجی» (که ۲۹ نیز سال گذشته در تهران درگذشت)، استاد سرشناس جغرافیای دانشگاه تهران بود که از او به‌عنوان بنیانگذار دانش جغرافیای نوین و هوشناسی در ایران نام می‌برند. مرحوم دکتر «گنجی»، دوران دیستان و دبیرستان را در شهر خود و آموزش عالی را در تهران (دارالمعلمین‌عالی ۱۳۱۲–۱۳۰۹)، انگلستان (۱۳۱۷–۱۳۱۲) و آمریکا (۱۳۳۱–۱۳۲۲) در رشته جغرافیا با تاکید بر اقلیم‌شناسی به پایان رساند. او از سال ۱۳۱۷ تا ۱۳۵۴ به کار تدریس و پژوهش در دانشگاه تهران اشتغال داشت و نخستین کسی بود که جغرافیای نوین را وارد برنامه‌های دانشگاهی کرده است. وی مراحل دانشگاهی را از دبیری تا معاونت دانشگاه طی کرده و در سال ۱۳۵۴ با اخذ درجه استادی ممتاز بازنشسته شده است. با این حال وی هیچ‌گاه دست از کار نکشید و از مهر ۱۳۵۴ تا پایان سال ۱۳۵۷ ریاست موسسه آموزش عالی امیر شوکت‌الملک علم بیرجند (هم‌اکنون دانشگاه بیرجند) را برعهده داشت. در واقع او موسس و اولین رئیس دانشگاه بیرجند بود. وی از سال ۱۳۶۴ همکاری با مرکز دایرالمعارف بزرگ اسلامی را آغاز کرد و از سال ۱۳۷۰ به عنوان مشاور رئیس دانشگاه علوم زمین با دانشگاه شهید بهشتی همکاری می‌کرد. او همچنین از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲ مشاور رئیس سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح بود و از سال ۱۳۷۲ نیز با سمت مشاور دانشکده علوم زمین دانشگاه شهیدبهشتی، در طراحی و اجرای برنامه‌ها مشارکت داشته است. علاوه بر این از سال ۱۳۶۵ عضو بخش جغرافیایی سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی (سمت) بود و در برخی دانشگاه‌های تهران،

دفعه دوم که دکتر «گنجی» را از دبیری تا معاونت دانشگاه طی کرده و در سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۷ مدیریت اداره کل هوشناسی را عهده‌دار بوده و در واقع بنیانگذار سازمان هوشناسی ایران است و در همین سال‌ها، چهار سال ریاست منطقه آسیا را در سازمان هوشناسی برعهده داشت. وی چندین کتاب (از جمله اطلس اقلیمی ایران) و بیشتر از صد مقاله به زبان‌های فارسی و انگلیسی منتشر کرد و به همین مناسبت برنده جایزه ۲۰۰۱ سازمان هوشناسی جهانی شده است. در تاریخ سوم آذر ۱۳۹۰ با حضور پروفسور «گنجی»، خانه جغرافیا در منزل مسکونی وی افتتاح شد.

دکتر «گنجی» درباره فعالیت‌های علمی- آموزشی خود می‌گوید: «من با دبیری در دانشگاه تهران شروع کردم و بعد از ۱۳ سال، استاندارد این دانشگاه شدم. من اولین کسی بودم که با تحصیلات عالیه جغرافیا به ایران برگشتم و در سال دوم گشایش دانشگاه تهران، به همراه دو نفر از همکاران رشته جغرافیا را پایه‌گذاری کردیم. بعد از ما شش نسل جغرافیادان در ایران آموزش دیده‌اند که من به نوعی احساس می‌کنم پدربزرگ این جریان هستم» او دو رویداد خشکسالی و سیلی را که در روزگار کودکی و نوجوانی در زادگاهش رخ داد و باعث آسیب زیادی به روستاییان شد را دلیل اصلی گرایش خود به جغرافیا و به ویژه هوشناسی، بیان می‌کرد. همچنین، در روزگاری که در خارج تحصیل می‌کرد، بحث‌های داغی پیرامون نظریه تکامل در جریان بود و از آنجا که بارها شنیده بود که پاسخ جانداران به دگرگونی آب‌وهوا، نقش مهمی در تکامل جاندارن دارد، به موضوع‌های مربوط به آب‌وهوا و محیط بسیار گرایش پیدا کرد.

دیدگاه‌های «سیدمحمود دعایی» درباره «محمدحسن گنجی»:

پایه‌گذار نگاه علمی در جغرافیایی ایران

امیر حاجی‌صادقی

محترم کشور بی‌احترامی شد به هر حال شرایط تلخی بود.
۴ شما در مراسم بزرگداشت ایشان در دانشگاه تهران هم حضور داشتید و سخنرانی کردید.
انگیزه شما از شرکت در این مراسم چه بود و در سخنرانی‌تان به چه مواردی اشاره کردید؟
دفعه دوم که دکتر «گنجی» را زبارت کردم، در بزرگداشت ایشان در دانشگاه تهران بود که آقای «سحاب» من را به آن مراسم دعوت کرده بود. من آن موقع نماینده مجلس بودم و به عنوان ناشر و مدیر روزنامه، از من برای سخنرانی دعوت کردند. من نیز از آنجه بر دکتر گذشته بود، گلابه کردم و ابراز امیدواری کردم کوتاهی‌هایی که در حق ایشان شده، جبران شود. اشاره کردم که شخصیت ایشان، سرمشقی است، چون در بدترین شرایط، کشور را رها نکرده‌اند و عرصه‌های خدمت را غنیمت شمرده‌اند. بی‌رو این صحبت‌ها بود که دکتر «گنجی» (ابراز تمایل کردند، مرا ببینند.

۴ گویا زمانی هم بین دکتر «گنجی» و «مهاجرانی» سوءتفاهمی پدید آمده بود که شما میبایجی شدید؟
این اختلاف در بحبوحه گفت‌وگوی تمدن‌ها و ریاست «مهاجرانی» بر مرکز گفت‌وگو-وی تمدن‌ها بروز کرده بود. گفت‌وگوی تمدن‌ها، طرح تهیه یک اطلس را به دکتر «گنجی» سپرد و دکتر «گنجی» هم انجام آن را به دانشجویش واگذار کرد تا دانشجویان کارها را زیر نظر ایشان انجام دهند اما چون مرکز گفت‌وگوی تمدن‌ها، نظارش این بود که دکتر این طرح را انجام دهد، از تعهدات مالی‌اش سر باز زد. آن زمان دکتر «مهاجرانی» یک اتاق در روزنامه اطلاعات داشت و ستونی هم با نام نقد حال، برای روزنامه می‌نوشت. آقای «گنجی» از وقت‌آآمد ایشان به روزنامه و رابطه نزدیک ما آگاه بود و از من خواست برای حل این مشکل، میانجیگری کنم. وقتی دکتر «گنجی» به روزنامه آمد، اتفاقاً دکتر «مهاجرانی» نیز آنجا بود و گفت‌وگوی میان آنان در گرفت و مشکل به شکلی حل شد.

۴ چه شد که دکتر «گنجی» به موسسه اطلاعات آمد و از اطلاعات بازدید کرد؟
دیدار دکتر «گنجی» از اطلاعات هم دیدار جالب دیگری بود که ما با ایشان داشتیم. ایشان وقتی دیدند ما در روزنامه اطلاعات به بازتاب و معرفی پیشینه درخشان ایشان همت داریم و نگاه حق جویی و وفاداری به ایشان و خدمتشان داریم، خواستند از ما تقدیر کنند و گفتند یک روز برای بازدید از روزنامه اطلاعات به اینجا می‌آیند. ما هم بلندپایگانی از مدیران مجموعه را مامور کردیم که ایشان را در بازدید همراهی کنند. (روزنامه هم سال ۱۳۵۰ تأسیس شده و تقریباً هشتاد و سال دکتر «گنجی» بود)

دکتر «گنجی»، حدود ۱۰ درس جدید و مختلف را به تدریج وارد برنامه رشته جغرافیا کرد که همه آنها را شخصا در سال‌های تحصیلی مختلف، تدریس کرد. از آثار ایشان می‌توان به ۱۱۶ اثر تالیفی، شش نقد کتاب، ۲۰ مقدمه کتاب، ۸۰ مقاله علمی، ۱۹ سخنرانی و ۱۴ مقاله به زبان انگلیسی اشاره کرد. دکتر «گنجی» در سال ۱۳۵۴ به عنوان استاد ممتاز دانشگاه تهران انتخاب شد. وی در بیست‌ونهمین کنفره اتحادیه بین‌المللی جغرافیایی که سال ۲۰۰۰ در کره‌جنوبی برگزار شد، به عنوان یکی از ۱۵ جغرافیادان برجسته جهان شناخته شد و سازمان هوشناسی جهانی، جایزه علمی سال ۲۰۰۱ خود را به وی اعطا کرد. ایشان همچنین نشان درجه سه در خدمات دولتی را دریافت کرده است. دکتر «گنجی» که حدود چهاردهه از عمرش را صرف آموزش جوانان این مرزوبوم کرده بود، در کهنسالی و دوران بازنشستگی با بی‌مهری و جنای روزگار مواجهه شد اما با معصدر با همه ناملایمات روبه‌رو شد و هیچ‌گاه از کسی یا گروهی شکوه یا گلایه نداشت. اما زمانی که هیجانات موقت فرونشست، همگان به خطای خود پی‌بردند و با میانجیگری را جلب‌کنند، در نهایت سفیر پیشنهاد کرده بود که کتاب را برای چاپ، به ما بدهند. دکتر «رضا» موافقت کرد و ما کار مجوز تا انتشار کتاب را در عرض سه‌هفته انجام دادیم و به آقای «قاسمی» خبر دادیم که کتاب آمده است. دکتر «رضا» باور نمی‌کرد که بعد از دو سال، چگونه همه‌چیز به‌سرعت انجام شده است. اصلا باور نمی‌کرد وی فکر می‌کرد ما راست نگفته‌ایم. قرار شد ایشان به ایران بیایند و کتاب رونمایی شود. وقتی به ایران آمد در باشگاه وزارت خارجه در نیواور جا گرفت و خواست از ما سیاس‌گزاری کند ولی ما به‌دنبالش رفتیم و چند جلد کتاب هم برایشان بردیم. پیرمرد خیلی خیلی خوشحال شد. برای رونمایی کتاب هم از شخصیت‌های برجسته دعوت کردیم سعی کردیم مراسم خیلی باشکوه باشد. جشنی گرفتیم و دکتر «باستانی‌پارزی»، دکتر «اسلامی‌ندوشن»، دکتر «واله آموزگار»، دکتر «شرین بیبی»، دکتر «احمدی‌گویو» و دیگر شخصیت‌های برجسته را دعوت کردیم و از جمله دکتر «گنجی» نیز حضور داشتند. پروفسور «رضا» گفت: «من موقعی که رئیس دانشگاه تهران بودم اگر می‌خواستم چنین جمعی از بزرگان را دعوت کنم، باید از یک ماه پیش وقت می‌گرفتم و حالا شما خیلی زود همه را جمع کرداید.» من نیز گفتم همه این شخصیت‌ها، به احترام شما مطالب را یکسره می‌نوشت و بعد قلم را برمی‌داشت. یعنی نیازی نمی‌دید میان نوشتن متن فکر کند یا حتی خط بزند. جمله قطع نمی‌شد. فرض کنید ۱۰ صفحه می‌نوشت و فقط دو جا خط می‌زد. عادتش بود چون خیلی متمرکز و اجرایی می‌انداخید.

و وقت‌شناس بود. شوخ‌طبع بود، ولی حرمت افراد را نگه می‌داشت. به نظر من فقط به دکتر «گنجی» و دکتر «شکویی» می‌توان لقب استاد داد. همچنین خیلی پسرور بودند. اصالت شخصیتی داشتند. به کارهای پژوهشی دانشجویان بسیار توجه و راهنمایی‌شان می‌کردند. یادم است پایان‌نامه یکی از دانشجویان را به دکتر «گنجی» داده که «رضا» در دیدار «بهرام قاسمی»، سفیر ما در کانادا، به ایشان گلابه کرده بود، در حالی که سفیر به دلجویی ایشان رفت تا محبتشان را جلب کند. در نهایت سفیر پیشنهاد کرده بود که کتاب را برای چاپ، به ما بدهند. دکتر «رضا» موافقت کرد و ما کار مجوز تا انتشار کتاب را در عرض سه‌هفته انجام دادیم و به آقای «قاسمی» خبر دادیم که کتاب آمده است. دکتر «رضا» باور نمی‌کرد که بعد از دو سال، چگونه همه‌چیز به‌سرعت انجام شده است. اصلا باور نمی‌کرد وی فکر می‌کرد ما راست نگفته‌ایم. قرار شد ایشان به ایران بیایند و کتاب رونمایی شود. وقتی به ایران آمد در باشگاه وزارت خارجه در نیواور جا گرفت و خواست از ما سیاس‌گزاری کند ولی ما به‌دنبالش رفتیم و چند جلد کتاب هم برایشان بردیم. پیرمرد خیلی خیلی خوشحال شد. برای رونمایی کتاب هم از شخصیت‌های برجسته دعوت کردیم سعی کردیم مراسم خیلی باشکوه باشد. جشنی گرفتیم و دکتر «باستانی‌پارزی»، دکتر «اسلامی‌ندوشن»، دکتر «واله آموزگار»، دکتر «شرین بیبی»، دکتر «احمدی‌گویو» و دیگر شخصیت‌های برجسته را دعوت کردیم و از جمله دکتر «گنجی» نیز حضور داشتند. پروفسور «رضا» گفت: «من موقعی که رئیس دانشگاه تهران بودم اگر می‌خواستم چنین جمعی از بزرگان را دعوت کنم، باید از یک ماه پیش وقت می‌گرفتم و حالا شما خیلی زود همه را جمع کرداید.» من نیز گفتم همه این شخصیت‌ها، به احترام شما مطالب را یکسره می‌نوشت و بعد قلم را یکسره می‌نوشت و بعد قلم را برمی‌داشت. یعنی نیازی نمی‌دید میان نوشتن متن فکر کند یا حتی خط بزند. جمله قطع نمی‌شد. فرض کنید ۱۰ صفحه می‌نوشت و فقط دو جا خط می‌زد. عادتش بود چون خیلی متمرکز و اجرایی می‌انداخید.

۴ دکتر «گنجی»، علاوه‌بر حوزه‌های علمی- پژوهشی در حوزه اجرا نیز موفق بودند. دلیل این موفقیت چیست؟
یکی از خوش‌اقبال‌های وی این بود که همشهری آدم‌های مهم- تأثیرگذار مملکت بود. هم با احتیاط و هم با جدیت برنامه‌هایش را پیگیری می‌کرد. از نظر امکانات مالی در سطح بالایی نبود، چون اهل زودبند نبود و این یکی از دلایل موفقیتش بود. به مسائل مالی و پول‌ساز بی‌توجه بود. به کارش ایمان داشت. واقعا اعتقاد داشت و پیگیر بود. همسر سازگار و وفاداری داشت که در کنار ایشان مددکار و یاور بود. ظاهراً فرزندی نداشت و یکی از دلایل موفقیتش درگیر نبودن به بچه و بچه‌داری بود. نسبت به شاگردانش محبت پدرانه‌ای داشت و به این سبب شاگردانش همه تأثیرگذار و مهم هستند.

۴ شما با اینکه ایشان فوت کردند همچنان پیگیر چاپ پایان‌نامه‌شان بودید؟ چرا؟
به هر حال یک انسان شریف از ما یک تقاضای کوچک داشت و ما قول داده بودیم که این اثر را چاپ کنیم. درست است که ایشان فوت کرد، ولی قول ما پابرجا ماند. ما قول دادیم و بر قولمان پایبند بودیم.

پنجشنبه • ۲۷ تیر ۱۳۹۲ • سال دهم • شماره ۱۷۸۵ • ۷

شرق روزنامه علم و ماندگاران

گفت‌وگو با جواد مجابی، نویسنده، شاعر و طنزپرداز معاصر	صفحه ۸
خاطراتی از آشنایی و همکاری پایدار با «محمدحسن گنجی»	صفحه ۱۰
ناگفته‌هایی از زندگی پدر جغرافیای نوین ایران	صفحه ۱۰

خاطر‌های ماندگار

ویژگی‌های برجسته «محمدحسن گنجی» از نگاه «مصطفی معین»

صداقت، فروتنی علمی و مشورت‌پذیری محسن خواجوی

در طول زندگی دکتر «محمدحسن گنجی» بارها از او تقدیر کردند، مثل اهدای جایزه ویژه دانشمند برگزیده سال ۲۰۰۱ جهان در حوزه هوشناسی، تجلیل از وی در سال ۱۳۸۳ در مراسم چهره‌های ماندگار و تأسیس بنیاد علمی و فرهنگی پروفسور «گنجی» در سال ۱۳۸۷. همچنین جشن یکصدمین سالروز تولد دکتر «گنجی» در ۱۳۹۰ در دانشگاه تهران و کیش برگزار شد. در سال ۱۳۸۰ نیز وزارت علوم از دکتر «محمدحسن گنجی» تجلیل کرد و تندیس او با حضور دکتر «مصطفی معین» (وزیر علوم وقت) در پارک دانشوران کیش نصب شد. به مناسبت اولین سالگرد درگذشت دکتر «گنجی» با دکتر «معین» گفت‌وگو کردیم تا درباره ویژگی‌های شخصیتی و علمی دکتر «گنجی» برایمان بگوید.

۴ چه خاطراتی از دکتر دارید؟

آشنایی‌ام با آقای دکتر «گنجی» از دوره دوم مسوولیتم در وزارت فرهنگ و آموزش عالی در دولت‌اصلاحات آغاز شد و بیشتر بر پایه آگاهی از سوابق ارزنده علمی و شهری‌تی بود که این استاد فقید در زمینه علوم جغرافیا، هوشناسی و زبان و ادب فارسی داشتند. با شناختی هم که از بیرجند و مردم با فرهنگ و بزرگان فرهیخته آن داشتم، در دوره‌های مختلف وزارت‌رم در سال‌های ۲۲-۱۳۶۸ و ۸۲-۱۳۷۶ نسبت به توسعه آموزش عالی در آن منطقه توجه ویژه‌ای به عمل آمده است. تقویت و گسترش مرکز آموزش عالی بیرجند به مجتمع آموزش عالی و بعد به مجتمع دانشگاهی و سپس دانشگاه بیرجند در آن دوران مورت گرفت و واحد دانشگاهی پیام نور هم در آن زمان در مشهد تأسیس شد. آشنایی و ارتباط با چهره‌های برجسته دیگری از بیرجند مانند مرحوم استاد «سیدغلامرضا سعیدی» و داماد ایشان، مرحوم استاد دکتر «سیدجعفر شهیدی» و استاد دکتر «شکویی» را نیز از دیگر توفیقات خود می‌دانم.

۴ از برنامه بزرگداشت دکتر «گنجی» در کیش برایمان بگویید.

یکی از سیاست‌های آموزشی در دوره اول وزارت، گسترش آموزش عالی در مناطق آزاد جنوب با تأسیس شعبه‌های دانشگاه‌های بزرگ مانند شیراز و صنعتی شریف و نیز پیام نور در جزایر کیش و قشم بود. این سیاست به منظور کمک به دسترسی بیشتر فرزندان ایرانیان مهاجر در امیرنشین‌های جنوب خلیج‌فارس به دانشگاه‌های کشور و نیز جذب دانشجویان غیرایرانی از کشورهای منطقه بود. بنابراین وقتی مسوولان مناطق آزاد برای واگذاری زمین، ساختن تسهیلات مربوط به آن اعلام آمادگی کردند، از این فرصت بهره‌گیری شد. در ارتباط با این جهت‌گیری آموزش، برنامه‌هایی نیز برای تقویت زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی توسعه آموزش عالی در این مناطق به اجرا درآمد. از جمله این برنامه‌ها، ایجاد «بوستان دانشوران» در کیش بود که با نصب تندیس ۱۵فرد از چهره‌های شاخص علمی معاصر و شخصیت‌های تاریخی برجسته مانند «امیرکبیر»، دکتر «تقی قاضی»، دکتر «محمد قریب» و دکتر «محمدحسن گنجی» که نقش موثری در بنیانگذاری و گسترش آموزش عالی نوین ایران داشته‌اند، همراه با شرح مختصری از زندگینامه علمی آنان در یک فضای طبیعی زیبا طراحی شد و به اجرا درآمد. «بوستان دانشوران» طی مراسمی در زمستان سال ۱۳۷۹ با دعوت سازمان مدیریت منطقه آزاد کیش و با حضور وزیر فرهنگ و آموزش عالی رسماً افتتاح شد. خاطرات دانشین گفت‌وگو و دیدار با برخی از دانشمندان حاضر در مراسم از جمله آقای دکتر «گنجی» از آن زمان در ذهنم به یادگار مانده است.

۴ آیا با الگوسازی چهره‌های علمی – فرهنگی برای جوانان موافقت؟ اگر جواب مثبت است، راه‌های این الگوسازی چیست؟
پاسخ مشخص است، موثرترین راه اصلاح فرهنگ یک جامعه، ارایه الگوی جذاب و راستین فکری، رفتاری، علمی و اخلاقی به نسل جوان و رو به آینده است. ایجاد بوستان‌های دانشمندان در رشته‌های گوناگون علوم و فناوری یکی از راه‌های این الگوسازی است. انتخاب و معرفی سالانه استادان، دانشجویان و پژوهشگران نمونه و مدیریت‌های موفق در توسعه علم و فناوری به جامعه و نسل‌های جدید، تجلیل شایسته و تأمین مادی و رفاهی آنان از دیگر برنامه‌هاست که در دوران مسوولیت در آموزش عالی به آن اهتمام می‌شد. یکی از طرح‌های اجرایی دیگر ما در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، بررسی و مطالعه و انتخاب دانشمندان و بزرگان علمی هرمنطقه جغرافیایی ایران و معرفی و نصب تندیس آنان در محل ورودی دانشگاه مادر در آن منطقه بود. این طرح، با همفکری و مشارکت استادان تاریخ علم و فرهنگ و کارشناسان و هنرمندان سازمان میراث‌فرهنگی به اجرا گذاشته شد که از آن میان می‌توانم نصب تندیس «ابن‌سینا» به‌عنوان بزرگ‌ترین دانشمند دوره فرهنگ و تمدن ایرانی و اسلامی و حکیم «فردوسی» به‌عنوان شاعر حماسه‌سرای ملی ایران در دانشگاه‌های بوعلی همدان و فردوسی مشهد را نام ببرم.

۴ دکتر «گنجی» علاوه بر حوزه‌های علمی و پژوهشی، در حوزه مدیریت اجرایی نیز موفق بود. او چه خصوصیاتی داشت که در اجرای اندیشه‌هایش موفق بود؟

به نظر من علق به آموزش، پژوهش و رشته تخصصی، تعهد و مسوولیت‌پذیری اجتماعی، جدیت و پشتکار در امور علمی و مسوولیت‌های پذیرفته‌شده و علاقه‌مندی به زادیوم، وطن و جوانان و دانشجویان، بیشترین نقش و تأثیر را در موفقیت، کارایی و اثربخشی یک مدیر اجرایی در عرصه‌های دانشگاهی و فرهنگی دارد.

۴ چرا دکتر «گنجی» تا این حد متمایز بود؟

علاوه بر ویژگی‌های فوق، صداقت، فروتنی علمی، مشورت‌پذیری و جلب مشارکت دیگران در امور علمی و مسوولیت‌های اجرایی نیز موثر بوده است.

۴ چه کنیم که از چنین چهره‌هایی در جامعه‌مان بیشتر بهره‌برگیریم؟
قدرشناسی بر پایه شایستگی علمی، اخلاقی و اجتماعی دانشمندان و فرهیختگان در زمان حیات ایشان، قراردادن سیاست و ایدئولوژی در خدمت دانش و دانشمند و نه برعکس، بسیار اهمیت دارد. همچنین ارزش‌گذاری فعالیت عالمان و متخصصان و رشته‌ها و تخصص‌های علمی، متناسب با اثربخشی اجتماعی آنها نیز جهت‌دهنده خواهد بود.